



ادوار پنجگانه عمر

۲۰ - اَعْلَمُوا اِنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَّ لَهٗوٌ وَّ زِينَةٌ وَّ تَفَاخُرٌ
بَيْنَكُمْ وَّ تَكَاثُرٌ فِى الْاَمْوَالِ وَّ الْاَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ اَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ
ثُمَّ يَهْبِطُ فَمَا يَجْمَعُ فَمْرًا مَّصْفُورًا ثُمَّ يَكُوْنُ حِطًّا وَّ اَوْفٰى الْاٰخِرَةَ عَذَابًا مُّذِيبًا وَّ مَغْفِرَةً
مِّنَ اللّٰهِ وَّ رِضْوَانًا وَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا اِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُوْرُ .

: بدانید زندگانی دنیا ، بازی ، سرگرمی ، زبور و آرایش ، فخر و مباهات بیکدیگر فروختن ، مسابقه در زیاد کردن ثروت و فرزند میباشد . (زندگی دنیا) مانند بارانی است که گیاهان (انبوهی) از آن میروید و باعث شگفتی کشاورزان میشود ولی پس از مدتی خشکیده (پژمرده) و زرد میگردد ، سپس شکسته و ریزش میشود (و باین ترتیب دنیا سپری شده) و در آخرت عذاب سخت و آمرزش و خشنودی خواهد بود (و در هر حال) زندگی دنیا جز مایه فریبندگی چیزی نیست .

۲۱ - سَابِقُوْا لِىْ مَغْفِرَةً مِّنْ رَّبِّكُمْ وَّ جَنَّةً عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ
وَ الْاَرْضِ اَعَدَّتْ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَّ رَسَلِهِ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَن
يَّشَاءُ وَّ اللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ .

: بشنایید (و بر یکدیگر سبقت بگیرید) بسوی آمرزش که از خدا است ، و بهشتی که وسعت آن مانند وسعت آسمان و زمین است ، و برای کسانی که بخدا و پیامبران او ایمان آورده اند ، آماده شده است این فضل و کرم خداوند است ، و بهر کس بخواهد میدهد خداوند دارای فضل بزرگ است .

اسلام در تحلیل و تجزیه دنیا مکتب خاصی دارد که از بیانات و تمثیلهای زیادی که در قرآن و احادیث از طرف خداوند و پیشوایان دین رسیده است ، بخوبی بدست میآید ، اسلام نه مانند

راهبها و تارکین دنیا و راضها مردم را به ترک دنیا و پناه بردن به کوه و غار و بیغوله ، دعوت می-نمایند و نه مانند ماده پرستان و دنیا خواهان ، اساس زندگی را لذتهای زودگذر دنیا میدانند ، اسلام اگر با کسانی که تمام مزایای انسانی و سجایای اخلاقی را بدست فراموشی سپرده ، و محو زندگی رالذت و ماده و اقتصاد ، میدانند ، مخالف است همچنین بادسته‌ای از بدبینان بجهان طبیعت نیز که تمایلات فطری خود را سرکوب کرده و جهان را شرمحض و زیان مطلق میدانند مخالف است در نخستین آیه مورد بحث ؛ قرآن نظر واقع بینانه خود را در باره دنیا ، با تقسیم زندگانی انسان از نظر حالات و روحیات ؛ به ادوار پنجگانه بیان کرده ، سپس بیان خود را با تمثیلی که در سوره «زمر» و غیره نیز وارد شده است ، توأم ساخته است .

در این بیان و تقسیم ، کوچکترین مبالغه و مجاز گوئی نیست بلکه سلسله حقایقی است که متن زندگی انسان را تشکیل میدهد ، و با سپری شدن این ادوار پنجگانه ، طومار زندگی او نیز در هم پیچیده میشود این دورانهای پنجگانه عبارتند از دورانهای : **لعب (بازی) ، لهو (سرگرمیها) ، عشق به زیور و آرایش ؛ مسابقه در فخر و مباحثات ؛ مسابقه در زیاد کردن ثروت و فرزند .**

شما میتوانید زندگی انسان را از جهات مختلف ، مورد بررسی قرار دهید . و در آن تقسیماتی بوجود آورید ، مثلاً از نظر رشد و نمو ، و سن و سال ، زندگی انسان به ادوار سه گانه (کودکی ، جوانی ، پیری) تقسیم میشود ولی محور تقسیم در آیه مورد بحث ، همان روحیات و حالات و افکار گوناگونی است که در انسان در طول عمر بوجود میآید و آثار مختلف و نتایج رنگارنگی را بدنبال دارد .

آنچه برای ما قطعی است اینست که این احوال پنجگانه مجموع دفتر زندگی او است ، و امامت دوران هر يك از این حالات چند سالست ، درست برای ما روشن نیست ، گاهی گفته میشود که مدت حکومت هر يك از این احوال هشت سال است ، بنا بر این حالات چهار گانه (لعب و لهو و زینت و تفاخر) بین سالهای ۴۰ و ۳۰ ادامه دارد ، و مرحله پنجم که همان مسابقه در زیاد کردن ثروت و فرزندان است تا روز مرگ با انسان همراه است .

ممکن است این حالات نسبت به منطقه‌ها و محیطها ، فرق کند ؛ و عوامل دیگر خارج از خود انسان در تشدید و ادامه این حالات مؤثر باشد ، حتی این اختلاف برای خود ما مشهود است ؛ مثلاً مرحله بازی در کودکان مختلف بوده ، عشق به سرگرمیها (لهو) در میان جوانان از نظر مدت متفاوت میباشد در هر حال آنچه لازم است تشریح این ادوار پنجگانه است که اساس زندگی ما را تشکیل میدهد (۱)

(۱) نکته قابل توجه اینست که هیچ يك از این حالات و علائق در انسان پس از طی دوران شدت خود بکلی از بین نمیرود ، بلکه از شدت آن کاسته شده و رو بضعف میگراید ، مثلاً در مرحله‌ای که در انسان روح فخر و مباحثات پیدا میشود ، حالات پیش ، مانند علاقه به بازی و یا سرگرمی بطور ضعیف و کم اثر در روح انسان حکومت میکنند .

۱ - دوران لعب و بازی

نخستین مراحل زندگی نوزاد انسانی را ، بازیهای گوناگون که با اندام و قوای بدنی او متناسب میباشد ، تشکیل میدهد ، او در این مرحله از زندگی ، لذتی بالاتر از لذت بازی نمیداند اگر از هر چیزی سیر شود ، از بازی سیر و خسته نمیشود ، میل به بازی و جست و خیز ؛ در این مرحله ، بیشتر جنبهٔ غریزی دارد ، و ضامن رشد و نمو و تکامل قوای بدنی آنها همین بازیهای متنوع است ، که در پرتو میل طبیعی و غریزی کودک انجام میگردد ، طغیان این غریزه در دوران کودکی است ، و هر چه کودک از نظر قوای عقلانی تکامل پیدا کند ، این غریزه رو بضعف گذارده و بصورت یک غریزه کم اثر در ادوار بعدی محفوظ میماند ، و گاهی در مراحل بعدی میل به بازی در انسان احساس میشود ولی بیک صورت تعدیل یافته ، که از قدرت و طغیان آن کاسته شده است ، و همچنین است سایر حالات و روحیات که در ذیل بآنها اشاره میگردد ،

۲ - دوران (لهو) و سرگرمی : در این مرحله در انسان میل شدید به سرگرمیهای مختلف پیدا میشود ؛ و در این هنگام هر فردی در خود علاقه مغرطه به شنیدن نغمه های گرم و دلنشین افسانه ها و داستانها ؛ و تماشای مناظر مشغول کننده ، مسافرتها و دستجمعی ، راه پیمایی و کوهنوردی . شرکت در مسابقات عمومی و .. احساس میکند .

این مرحله از عمر که اساس آنرا سرگرمی و خوشگذرانی آمیخته با کم فکری ، تشکیل میدهد . دیری نمپاید که جای خود را از نظر قدرت و طغیان بحالت دیگری میدهد ، و خود بصورت یک حالت کم اثر در کانون وجود انسان مختفی میگردد .

۳ - دوران عشق به زیبایی : سومین مرحله زندگی انسان رامیل شدید به مظاهر زیبایی از قبیل همسر زیبا ، لباس زیبا ، خانه زیبا و .. تشکیل میدهد ، و این علاقه فطری اساس بقا و زندگی و نسل انسانی است ، و آئین مقدس اسلام با وضع قوانین خاصی آنرا تعدیل کرده ، و از زیانهای آن که معلول شدت و طغیان این حالت میباشد جلوگیری بعمل آورده است .

۴ - دوران فخر و مباهات : در این مرحله از زندگی حس مقام خواهی و منصب طلبی ، و فخر و مباهات بوسیله پول و ثروت ؛ منصب و مقام ، فرزندان و اولاد ، و .. زنده میشود ، و تامدتی فکر انسانی را مشغول خود میسازد ؛ فکر ترقی و تنالی ، حس صدارت طلبی و ریاست خواهی ، روح انحصار و قبضه کردن ، از آثار این مرحله است ، که انسان در زندگی بیش از همه ، به چیزهایی علاقمند میگردد ، که وسیلهٔ فخر و مباهات است

۵ - دوران مسابقه در زیاد کردن ثروت و فرزند . در این مرحله نهایی ، سایر علائق ، ضعیف و کم رنگ شده زمام زندگی بدست این حالت خاص میافتد ، و هر چه سن و سال انسان بالا میرود ، رشد و نمو این حالت رو بفرزونی میگذارد ، روح ثروت اندوزی و تکثیر اولاد ، و مراقبت اوضاع دیگران که مبادا در این قسمت از او پیش افتند ، شغل شاغل و محور زندگی می گردد .

هریک از این علائق پنجگانه بنوبت خود اساس بقا و زندگی است ، ولی باید کوشید که

همواره بصورت وسیله زندگی مورد استفاده قرار گیرند ، نه بصورت هدف

نظر اسلام درباره دنیا

درباره حقیقت دنیا و پایه ارزش آن ، افکار و عقائد مختلفی ابراز شده و مکتبهای گوناگونی بوجود آمده است قرآن مجید در سوره های متعددی باینانات مختلف و مثلهای گوناگون نظر خود را درباره دنیا ابراز نموده است.

از غور و بررسی مجموع آیه ها و روایات اسلامی بطور روشن این مطلب بدست می آید ، که جهان ماده از نظر اسلام با تمام جلوه ها و مظاهر خود خوبست ولی دلبستگی بآن بسیار بد و مذموم و نکوهشیده است .

دلبستگی به جهان و مظاهر فریبنده آن اگر چه تاحدی فطریست ، ولی منظور از بد بودن دلبستگی اینست : که در مواقع تصادم ، انسان دنیا را فدای فضائل اخلاقی و اصول انسانی سازد ، نه بر عکس .

و بعبارت دیگر : اسلام دنیا را چنین تجزیه و تحلیل میکند : دنیا وسیله است نه هدف تمام این علائق پنجگانه عامل و وسیله بقا و حیاتند ، و هر گز هدف از زندگی و حیات انسانی ، مثلاً ثروت اندوزی و مسابقه در تکثیر اولاد نیست .

و برای رساندن این مطلب (که از دنیا باید بصورت وسیله بهره برداری نمود نه هدف) ، پس از نکوهش زندگی دنیا و تقسیم آن به ادوار پنجگانه ، بلافاصله در آیه بعدی تذکر میدهد که انسان میتواند در پرتو این وسیله ؛ زندگانی اخروی ، حیات بهشتی بدست آورد بهشتی که گنجایش آن (۱) باندازه آسمانها و زمین است ، و برای کسانی آماده شده که دنیا را از آن نظر بخواهند که میتوانند وسیله سعادت و کسب حیات اخروی باشد .

وسعت آسمانها و زمین

اطلاعات ما از گنجایش آسمانها و زمین که قرآن کریم میفرماید وسعت بهشت باندازه وسعت آنها است ، بسیار ناچیز است ، ولی وسعت منظومه شمسی با آنکه نسبت بسائر منظومه ها کوچک و ناچیز است ؛ اینست : که اگر ما بخواهیم با همان وسائلی که اخیراً یک ایستگاه فرستنده را سالم در ماه فر آورده ، (و تقریباً سه شبانه روز در راه بود) بدورترین سیاره این منظومه (سیاره پلوتو) سری بزیم فقط ۲۵۰ سال وقت لازم دارد .

تنها در همین کهکشان ۱۵۰ میلیون ستاره بزرگتر از خورشید وجود دارد و با ملاحظاتی تحقیقاتی که دانشمندان درباره وسعت آسمانها انجام داده اند ، عظمت این جمله (و جنه عرضها كعرض السماء والارض) : « بهشتی که وسعت آن باندازه گنجایش آسمانها و زمین است » بدست می آید .

(۱) عرض در آیه بمعنای گنجایش و وسعت است ، نه عرض در مقابل طول چنانکه برخی

گفته اند .

(۲)

آموزشها

قسمت دوم

قرآن کریم وسیره پیغمبر بزرگ اسلام دومنبع اصلی و پراهمیت برای بالا بردن سطح فرهنگ مسلمانان میباشد. افکار مسلمانان بواسطه آموزشهای گرانهای این دومنبع بزرگ که مشتمل بر عقائد، حقوق، ادبیات و هنر، ضرب المثلهای، داستانهای آموزنده و تواریخ بوده تغییر یافت، سطح فکر آنها بالا رفت و تربیت کاملی یافتند.

ما چون باین دومنبع مراجعه کنیم بطور واضح ببحثها و قسمتهای گوناگون «اجتماعی» و «اقتصادی» و غیره بر میخوریم، و پاره ای از مباحث «روانشناسی» را نیز در آنها می یابیم.

این بحثها که بازبان ساده و یامنطق دینی بیان شده است. موضوعات قابل توجهی را تشکیل میدهد، مثلا برای مبارزه با حسد که يك مرض اخلاقی محسوب می شود. در روایت معتبری می بینیم که پیغمبر اکرم فرموده است «هر گاه حسود اظهار حسادت خود را نماید گناه محسوب نمی شود (۱) واضح است که این طریق مبارزه نفسانی و عملی و ساده است، زیرا با آنگاه که حسود هیچ واکنش عملی و زبانی نشان نداد رفته رفته این مرض که برخلاف طبیعت انسانی است ذوب شده و بتدریج از میان میرود، همچنین در باره وسوسه در خیر آمده است که «شیطان را با اعتنا و توجه بوسواس عادت ندهید» (۲) و بر آستی بهترین طریقه معالجه وسوسه بی توجهی بآنست. در باره اضطرابهای روحی که بعد از گناه و یاد در حال سفر و نقل و انتقال حاصل شده و غالباً خود موجب حوادثی است با توبه و صدقه که آنرا دافع بلا دانسته اند وسیله آرامش فراهم شده و بالاخره در باره عقده های جنسی سعی شده با ازدواج در سنین اول عمر و مخالفت زن از هر نوع تحریک و فریبندگی در سخن گفتن و حرکات از آنها جلوگیری بعمل آید.

مادر این بحث بهیچوجه نمی توانیم از قسمتهای گوناگون آموزشهای اسلامی بحث کنیم فقط اشاره ای مختصر بمثلهای قرآنی نموده انظار را بنکته ای بسیار جالب، توجه می دهیم.

در قرآن کریم و سنت، بسیاری از مثلها آمده است، این مثلها برای مقصودهای دیگری ذکر شده و بهیچوجه مقصود از آن، آموزش خود آن امثال نمی باشد.

این مثلها گاه پدیده ای کیهانی یا شرح حرکات خورشید و ماه و ستارگان و یا صحنه ای از کتاب عجیب خلقت را بیان می‌کند و برای اثبات عقیده یا عبرت و تربیت اخلاقی نتیجه گیری می‌شود .

موضوع قابل توجه اینست که مثلها عموماً با آخرین نظریات علمی تطبیق می‌نمایند و بهیچوجه افکاری را که در زمان نزول قرآن و بعد از آن مورد قبول دانشمندان بوده است نقل نمی‌کند و بطور خلاصه فرهنگ عصر قرآن بهیچوجه قرآن و سنت راتحت تأثیر خود قرار نداده است و این خود بهترین شاهد بر الهی بودن قرآن است و اثبات می‌کند که آورنده قرآن، بشری که از منابع فرهنگی زمان خود مطلبی را آموخته باشد نمی‌باشد .

اکنون بچند مثال زیر توجه کنیم :

درسوره نمل آیه ۸۸ میخوانیم « کوهها را جامدمی پنداری در حالیکه مانند ابر در حرکت است این آفرینش و صنع خدائی است که همه چیز را با نهایت دقت محکم ساخته است و آگاه به همه کارهای شماست » (۱) .

و درسوره یاسین آیه ۴۰ نیز میخوانیم : « خورشید نمی‌تواند بماه برسد و نیز شب نمی‌تواند بر روز پیشی گیرد و هر کدام در مدار ی شناگرند » (۲) در این آیه روز نخست شمرده شده است و این ظاهراً با نظریه علمی خلقت زمین کاملاً تطبیق می‌کند . زیرا زمین مشتمل که از خورشید جدا شد شبی نمی‌تواند داشته باشد بلکه در حال روشن و روز محسوب می‌شود و چون سرد و خاموش شد روز و شب پدید آمد . از طرف دیگر این عبارت که خورشید و ماه در مسیر و مدار خود شناورند کاملاً با هیئت بطلمیوسی که معتقد بسیر فلک و سیر خورشید و ماه با فلکهای آنها بوده است مبیانت دارد در حالیکه هیئت بطلمیوس جزئی از فرهنگ عمومی زمان قرآن بوده است .

و نیز درسوره انعام آیه ۱۲۵ میخوانیم « کسیرا که خداوند میخواهد راهنمائی کند سینه او را برای پذیرفتن اسلام بازمی‌کند و کسیرا که گمراه می‌نماید سینه او را تنگ میکند و در فشار قرار میدهد مانند کسی که با آسمان بالا میرود » (۳) این مثال زیبا که علم امروز بخوبی آنرا نشان

(۱) وترى الجبال تحسبها جامدة وهى تمرمر السحاب صنع الله الذى اتقن كل شىء انه خبير بما تفعلون .

(۲) لا الشمس ينبغي لها ان تدرک القمر ولا الليل سابق النهار وكل فى فلك يسبحون .

(۳) فمن يرد الله ان يهديه يشرح صدره للإسلام ومن يرد ان يضله يجعل ضيقاً حرجاً كأنما يصعد فى السماء ...

میدهد جالب توجه است (۱) .

ودرسوره والذاریات آیه ۴۷ می بینیم «وآسمان را با قدرت خود ساختیم و ما آنرا دائماً توسعه میدهیم» (۲) از این آیه کاملاً بدست می آید که فضا دائماً در حال توسعه است و این حقیقت را جز در این اواخر که عالم ریاضی دان بلژیکی «لووتر» نظریه توسعه جهان و ازدیاد اجرام آسمانی را اظهار کرده و مورد قبول قرار گرفت ، کسی نمی دانست .

مادر اینجا بهمین چند «مثال» . اکتفا کرده تذکر می دهیم که این بحثها مورد مطالعه صریح قرآن نبوده و بعنوان شاهد و یا عبرت ذکر شده است .

ودر عین حال با کمال دقت ذکر گردیده و در آنها خطا راه نیافته است و البته این امتیاز مخصوص قرآن است .

(۱) امروز با آزمایشهای مکرر ثابت شده که انسان هر چه با آسمان بالا رود بر اثر رقیق شدن هوا و کمبود اکسیژن دچار خفقان و تنگی نفس میشود و این تشبیه، یکی از معجزات علمی قرآن مجید است که در مثال خود از این موضوع استفاده نموده در حالی که این حقیقت برای بشر آن روز کشف نشده بود ! .

(۲) والسماء بنیناها باید وانا الموسعون .

(بقیه از صفحه ۴)



بنابر این چرا ما حسین (ع) را دوست نداریم و از دل و جان به او عشق نورزیم؟ ، او ما و آئین مقدس ما را با خون پاک خود نجات داد ، او راه و رسم فداکاری ، آزادگی ، شهادت و افتخار ، جانبازی و فضیلت ، تسلیم نشدن در برابر کج رویها و ستمگریها ، مردانگی و شهامت را بهمه ما آموخت .

او بحق رهبر آزادگان و سرسلسله شهدای راه خدا است ، و همین موضوع است که به تاریخ زندگی او رنگ ابدیت بخشیده و دلهای آزادگان و مجاهدان و مردم با ایمان و حق طلب را بسوی او مجذوب ساخته است .

اگر شخصیت امام حسین جاودانی و جهانی است با این دلیل است که سبزه حق و باطل ، پیکار عدالت با بیادگری مخصوص قوم و ملت و زمان و مکان معینی نیست .

و اگر می بینیم بزرگ پیشوای جهان اسلام پیغمبر گرامی ما (ص) سالها پیش از شهادت فرزندش امام حسین (ع) این حقیقت را پیش بینی کرده و فرموده : ان لقتل الحسین حراره فی قلوب المؤمنین لا تبرد ابداً : شهادت امام حسین (ع) آنچنان شعله ای از عواطف و احساسات در دلهای مردم با ایمان برمی افروزد که هرگز سرد و خاموش نمیکردد ، نیز اشاره بهمین واقعیت است .

فلسفه خاص اسلام

در مسئله «همزیستی مذهبی»

نکته کاملاً مهم و قابل توجه اینست که همزیستی اسلامی بر فلسفه خاصی بنیان دارد غیر از فلسفه غرب، واقع‌بینی ویژه اسلام سبب این امتیاز گشته، همان واقع‌بینی که بسیاری از فلسفه‌های غربی از آن محروم بوده‌اند!

همزیستی مذهبی در غرب از این فکر گرفته شده که اصولاً حوزه تجاریات فکری انسان عقاید و آراء او و بالاخره هر نوع تلاش فکری‌اش باید از دایره مداخله اجتماع و دولت بیرون باشد، هیچ حکومتی صلاحیت ندارد در حوزه فکری انسان‌ها وارد شود.

اگر یک فرد یا یک گروه و اقلیت، دچار خرافات و افکار و عقاید و آداب و رسوم صدها درصد مضروان خرافی باشد چون این مسائل به عقاید و آراء مربوط است قوای رسمی نمیتواند و نباید در آن دخالت کند.

بنا بر این طرز فکر، همزیستی مذاهب بر اساس تفکیک زندگی اجتماعی از دین و جدا کردن کامل قلمرو روح و ماده، سپردن زندگی اجتماعی بدست حکومتها و زندگی معنوی و روحی بدست خود افراد استوار است، حکومت را با عقاید و افکار و اخلاق مردم چکار ۱۴ برای این اساس و اینکه مقامات رسمی حق دخالت در عقاید و آراء و اخلاق و اعمال دینی افراد را ندارند باید همه مذاهب بهر صورت و کیفیت در کنار هم زندگی کنند، آری همزیستی مذهبی غرب از فکر جدائی قلمرو روح و ماده آب میخورد فکری که کشمکش‌ها و جنگ‌های طولانی پاپ و امپراطور برای تحقق بخشیدن بآن بود، امپراطور بعنوان قدرت مادی اجتماع، دایره نفوذ و مداخله پاپ را تنها در یک سلسله امور روحانی محصور میساخت پاپ از این محدودیت سخت بر میآشفته عاقبت هم این فکر عملی شد یعنی مرکز کلیسا و سیاست از هم جدا گردید!

* * *

اینجا است که باید از يك اشتباه بزرگ جلوگیری کنیم همزیستی اسلام با مذاهب دیگر بر چنان تفکر غلط پیکذاری نشده است، تفکیک قلمرو روح و ماده از نظر اسلام مردود است، در این آئین اداره اجتماع و مذهب مانند دودایره متحد المرکزند یعنی هدفها و اصول آندو کاملاً بهم مرتبط و پیوسته میباشند، روش اداره اجتماع یکذره از هدف اصیل مذهب که بوجود آوردن جهان بینی صحیح برای بشر و اداره آن است نمیتواند منحرف شود، بنا بر این فلسفه همزیستی اسلامی غیر از فلسفه غرب است، فلسفه مخصوص دیگری است فلسفه ای خاص و صد درصد بر اساس واقع بینی .

این فلسفه خاص چیست ؟ اسلام همه ادیان آسمانی را که بوسیله پیامبران در میان بشر ترویج شده از يك اصل وریشه میداند، منشأ و برنامه و هدف آنها و مطلوب همه پیامبران، این هدف بزرگ بوده است : **ایجاد جهان بینی صحیح برای انسان و اصلاح انحرافات زندگی او** (گرچه با گذشت زمان پاره ای از ادیان از این هدف دور شده اند) .

جهان بینی صحیح چیزی نیست که با گذشت زمان و تبدیل عصرها دگرگون شود، مثلاً در عصر حضرت مسیح طوری باشد ؛ در عصر حضرت موسی طوری دیگر ؛ در شرق يك نوع آن صحیح باشد و در غرب نوع دیگرش ؛ اصول جهان بینی را این قبیل مسائل تشکیل میدهد :

درک اصول مسلم نظام آفرینش، ایمان به آفریدگار و مبدع هستی ، فهمیدن اینکه آفرینندگی اودائماً جریان دارد و جهان لحظه ای از اوبی نیاز نمیتواند شود، درک اینکه موقعیت صحیح انسان در سازمان وسیع آفرینش چیست ؛ ارتباط او با آفریدگار، جهان و انسانهای دیگر چگونه باید باشد ؛ او بر نامه زندگی این جهان را چگونه باید تنظیم کند تا بسعادت و کمال هر دو زندگی نایل شود اینها اصول مسأله ای هستند که پیامبران برای دادن يك فکر صحیح در باره آنها کوشش نموده اند و نهضتها بپا کرده اند، قوانین مدنی و جزائی ادیان، آداب و رسومیکه برای ارتباط انسان با خدا مقرر داشته اند همه برای تأمین هدفهای فوق بوده است .

در اینصورت از نظر اصول و هدف ، کوچکترین اختلاف میان ادیان وجود ندارد، البته يك نکته اساسی در این میان هست و آن اینکه همانطور که با گذشت زمان معدل رویهمرفته فکر بشر بالا رفته و درک او در جنبه های مختلف زندگی بشکامل گرایده، ادیان نیز بهمان تناسب اصول و اهداف خود را بصورت های کاملتر و عمیقتری بیان داشته اند، غیر از این نمیشد زیرا بالاخره ادیان با فکر و دستگاه ادراک انسان سروکار دارند، مسلماً آن مرتبه از خداشناسی و خودشناسی را که اسلام در دوره خاصی از فکر انسانی میتواند عرضه بدارد مسیحیت در دوران تاریک و محیط کاملاً مادی خود نمیتوانست بیان کند، قوانین مدنی و جزائی کاملاً مترقی و نظام سیاسی پیشرفته ای که دوران اسلام

آمادگی پذیرش آن را داشت دوران مسیحیت نداشت، بدینجهت باید بگوئیم ادیان آسمانی تکمیل - کننده یکدیگرند پاره‌ای از آنها همان «اصول و هدفهای واحد» را بصورتی کاملتر و عمیقتر عرضه داشته‌اند و برحسب همین وضع، اسلام معارف و تعالیمی کاملتر از همه ادیان عرضه داشته است.

بی تردید تفاوتیکه از این راه در میان ادیان آسمانی آشکار شده لطمه به وحدت و یگانگی آنها نمیزند، چیزیکه هست این وضع ایجاب میکند حکومت جهانی و نهائی مخصوص دین کامل باشد و این بحثی است که بدان خواهیم رسید.

از طرف دیگر پاره‌ای از اختلافات مشهود در نظام‌های قانونی ادیان، مربوط به شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی هر ملت بوده است، اصل مسلمی وجود دارد و آن اینست که قوانین باید با اوضاع اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی سالم جامعه کاملاً تطبیق کند و گرنه عملاتر و کم‌میشود و ناپدید میگردد، مراعات این اصل نیز در حد خود موجب اختلاف پاره‌ای از قوانین دینی گشته است ولی بالاخره اصول مشترکی که در وضع اینها وجود داشته وحدت هدفی آنها را حفظ میکنند این اصول عبارت است از تأمین عدالت قضائی، اجتماعی، تأمین آزادیهای مشروع انسانی تأمین حقوق اقتصادی و فرهنگی افراد در اجتماع و مانند اینها...

از این بررسیها نتیجه میشود که نمیتوان ادیان الهی را مکتبهای پراکنده و منافی هم دانست، نمیتوان میان آنها دسته‌بندی و دشمنی بوجود آورد، آنها وحدت همه‌جانبه دارند، قرآن مجید ایجاد این گونه دسته‌بندیها را که از فکر کوتاه و تعصبات غلط ناشی میشود بدینصورت تقبیح میکند.

و... آنانکه میان خدا و پیامبرانش جدائی میافکنند و میگویند بعضی از پیامبران را قبول و باورداریم و بعضی از آنان را قبول و باورداریم، آنها میخواستند (به این بهانه) راه جداگانه‌ای پیش گیرند، بی تردید آنها کافر هستند و ما برای کافران عذاب سهمناکی تهیه دیده‌ایم (۱) قرآن بمسلمانان دستور میدهد به همه پیامبران از صمیم دل و جان بدون هیچ تبعیض و تفرقه ایمان داشته باشند:

«بگوئید ما بخداوند آنچه (از آیات الهی) بر ما نازل کرده ایمان آورده‌ایم ما با آنچه برای ابراهیم و اسمعیل و یعقوب و تیره‌های بنی اسرائیل نازل شده و آنچه بر موسی و عیسی و همه پیامبران از جانب خدا فرود آمده ایمان آورده‌ایم، ما کمترین جدائی و تفرقه میان آنها نمیاندازیم، در برابر اراده الهی همگی تسلیم هستیم» (۲).

(۱) سوره نساء آیه ۱۵۰-۱۵۱ (۲) سوره بقره ۱۳۶.

* * *

حالا میتوانیم بدرستی بفهمیم که چرا اسلام به ادیان آسمانی دیگر حق حیات میدهد؟ چرا در راه تأسیس حکومت جهانی روش نابود ساختن این مذاهب و سلب آزادی‌های دینی؛ تأسیس محاکم تقشیش عقاید و بالاخره ایجاد اختناق دینی را پیش نمیگیرد.

این همزیستی با این علت است که اسلام هدف خود و همه مذاهب آسمانی را مشترک و واحد میدانند یعنی دادن جهان بینی صحیح به بشر و اصلاح انحرافات زندگی او، پس چرا آنها را از اساس براندازد؟

بعبارت روشنتر، جامعه‌هایی که از ادیان آسمانی پیروی میکنند بخاطر عقیده به آفریدگار، اساس نبوت، روزستاخیز، و بخاطر یک سلسله آداب و رسوم و قوانین مختلف (که مجموعاً جهان بینی ناقص و آمیخته با انحراف آنها را تشکیل میدهند) آمادگی کامل دارند رسالت اسلامی را بتدریج بپذیرند، جهان بینی کامل پیدا کنند، در سطحی عالیتر به هدف نهائی همه ادیان نائل گردند؛ پس اسلام بر اساس وحدت ادیان الهی، وضع موجود پیروان آنها را از مناسبات و آماده‌ای برای پیشروی معارف و تعالیم خود تشخیص میدهد، بدینجهت با آنها همزیستی میکند، ولی این همزیستی بمعنای کناره گیری کامل از سر نوشت توده‌های غیر مسلمان نیست، بر این اساس غلط نیست که قلمرو روح و ماده از هم جدا است و اسلام را بادیگران چکار؟!.

با این علت حکومت جهانی اسلام برای خرافات و انحرافات موجود ادیان دیگر برنامه عملی و تبلیغاتی عمیق و دامنه‌داری اتخاذ میکند، در پرتو همین اقدامات وسیع ایده‌گولورژیکی و عملی درستی و عمق معارف و تعالیم اسلامی را برای این توده‌ها آفتابی میکند و به اصطلاح از راه یک انقلاب فکری عمیق و وسیع، بدون توسل بزور (جز در موقع ممانعت دیگران از این انقلاب فکری) نظام اسلام را در جهان پیاده میکند، مشروح این موضوع را آنجا که از «هدف حکومت جهانی اسلام» بحث میکنیم خواهیم آورد.

در شماره آینده درباره اصل مهم دیگر یعنی جانشین ساختن «تفکر جهانی بجای فکر» ناسیونالیسم افراطی» بحث خواهیم کرد.

تعداد افراد شرکت کننده در کنگره جهانی مسلمانان (مراسم حج امسال)

هر سال متجاوز از يك ميليون نفر از سراسر مسلمانان جهان در مراسم باشكوه و جهانی حج شرکت میکنند که خوشبختانه این تعداد سال بسال رو به زوایی می رود آمار زیر صورت دقیقی از مراسم حج امسال است که در نشریه رسمی - کشور سعودی پس از مراسم حج امسال آمده است

از کشورهای آسیائی

از آفریقا

نیجریه ۸۵۳۵ نفر سنکال ۲۲۷۵ نیجر
۱۲۵۵ حبشه ۲۴۶۴ مالی ۱۳۱۲ و لثای
علیا ۳۶۳ موریتانیا ۴۵۷ کامرون ۴۳۷
اوگاندا ۲۸۳۲ زنگبار ۲۲۱ کینیا ۱۵۸
داهومی ۲۹ لیبریا ۲۴ آفریقای وسطی
۱۴۰ کامبیا ۳۲۴ ملاوی ۴ چاد ۲۱۹۱
کینیه ۲۴۶۷ صومال ۱۳۲۶ جنوب آفریقا
۸۱۹ گانا ۴۸۲ توگو ۱۶۱ صومال فرانسه
۱۱ ساحل عاج ۴۳۰ سیرالیون ۹۹ جزیره
موریس ۱۲۱ رودزیای جنوبی ۱۰ مالاگاسی
۲۳ کنگو ۱۷ زامبیا ۴ ژاپون ۲ بورندی ۵
راویندی ۱

ایران ۳۵۲۳۴ نفر ترکیه ۳۹۳۰۹ پاکستان
۲۳۹۵۱ اندونزی ۱۶۱۳۰ افغانستان -
۵۷۴۰ مالازیا ۶۷۱۸ تایلند ۱۳۱۰ هند
۲۹۳۰۹ سیلان ۵۷۰ قبرس ۶۲ نپال ۶۷
ویتنام جنوبی ۶۷ چین ملی ۷ سنگاپور ۱۹
فلپین ۸۶۱ کامبوزیا ۸۰ نفر

از کشورهای عربی

سوریه ۸-۱۹۲ نفر مصر ۱۰۰۰۵ عراق ۲۰۵۱۹
سودان ۲۰۱۶۸ لیبی ۱۸۳۲۶ الجزائر
۲۶۰۹ اردن ۷۳۸۰ مراکش ۸۲۶۶ فلسطین
۸۶۱ کویت ۶۶۷۷ لبنان ۴۷۶۲ یمن ۲۰۹۵
تونس ۶۳۰ نفر

از اروپا و آمریکا

بریتانیا ۵۹۰ نفر روسیه ۱۴ یونان ۲۰۱
یوگوسلاوی ۱۵۳۹ فرانسه ۲۶۱ پرتقال
۱۰۲ ایالات متحده آمریکا ۳۰ ایسلاند ۴
آلمان ۴ اسپانیا ۶۲ بربادوس ۲ ایرلند ۲۶
گانای بریتانیا ۱۰ جزائر ترینداد ۲

از شیخ نشینهای خلیج فارس

عمان ۱۲۷۷ نفر بحرین ۲۱۴۴ حضرموت
۳۴۷۲ اتحاد جنوب ۱۴۹۰ قطر ۲۰۳۱
عدن ۶۷۶ امارات و جنوب عربی ۱۳۵۱

مجموع حجاج امسال ۴۱۹۲۴۶ نفر

توضیح اینکه در سال ۱۳۸۵ تعداد کل حجاجیکه از خارج سعودی در حج شرکت نمودند ۲۹۴۱۱۸ نفر بوده است و تعداد حجاج خود عربستان سعودی به صدها هزار نفر بالغ میگردد که در آمار فوق نیامده است .

(۴)

انحراف از روش پیامبر چه آثار سوء ببار آورد ؟

❦ عکس العمل الغاء بحث منطقی و فکر فرهنگی
❦ تأثیر در سیر معنوی و معاد شناسی

پس از گذشتن قرنی تاریکی جهل ، جامعه اسلامی را فرا گرفت و از طرفی مسلمانان از جهت تماس قهری که با جامعه‌های علمی و فرهنگی جهان داشتند بنیادشدید و روز افزون خود بملوم فلسفی و استدلالی پی بردند و چون در اثر تقلید غیر منطقی هرگز گمان نمی‌کردند که در متن کتاب و سنت معارفی حقیقی و منطقی وجود داشته باشد ، لذا دست نیاز بسوی دیگران دراز کرده در اواخر سلطنت « بنی امیه » و اوائل سلطنت « بنی عباس » کتب زیادی در منطق و فلسفه و ریاضیات و غیر اینها از یونانی و سریانی و زبانهای دیگر بر بی ترجمه نمودند .

ورود این علوم بجامعه اسلامی اگر چه با شور و شعف زیادی توأم بود و خلفای وقت از این « میهمانهای تازه وارد » کاملاً حمایت می‌کردند ، ولی برخلاف انتظار بواسطه تماس و بر خوردی که فلسفه الهی با برخی از مسائل اعتقادی اسلام که با سبک کلامی توجیه میشد پیدا کرد مجدداً نزاعی میان « متکلمین و فقها » که با ارادت و احترام عامه مردم تقویت میشدند و میان طرفداران فلسفه ، در گرفت و بالاخره « فلسفه » متروک یا در حکم متروک و « کلام » بخاطر این مزیت که بحثهای خود را بقید موافقت شرع (البته بعقیده آنها) انجام میدهد پیشی گرفت .

این قضیه را تا اندازه ای در مصاحبه‌های گذشته که منتشر شده است شرح داده ایم .

۳ - تأثیر در سیر معنوی و معاد شناسی

کسانیکه در حیات معنوی و کمالات باطنی مطالعات کافی دارند و مقاصد حقیقی این رشته از علوم را دریافته اند بخوبی درک میکنند که روش این « سیر باطنی و حیات معنوی » روی این اساس استوار است که کمالات باطنی و مقامات معنوی انسان یک رشته واقعیت‌های حقیقی بیرون از واقعیت طبیعت و جهان ماده است و « عالم باطن » که موطن حیات معنوی است جهانی است بسیار اصیل تر و واقعیت دار تر و پهناور تر از جهان « ماده و حس » ، مقامات معنوی واقعیت‌ها و موقعیت‌های حیاتی اصیلی برای انسان هستند و هر گز از قبیل مفاهیم تشریفی و مقامات و مناصب و عناوین وضعی و قراردادی اجتماعی نیستند .

توانگری و فقر، بزرگی و کوچکی، آقائی و نوکری، فرماندهی و فرمانبری، يك رشته معانی و عناوین و شخصیت‌های وضعی و قراردادی هستند که برای پاره‌ای از مقاصد اجتماعی وضع شده با موازین اجتماعی مخصوصی باین و آن داده میشوند بدون اینکه اعطای منصب فرماندهی به فرمانده و فرمانبری به فرمانبر تأثیری در طبیعت خارجی و تغییری در وجودشان داده باشد، و بدون اینکه « ثروت » جزء بدن « ثروتمند » شود یا با از دست رفتن مال چیزی از وجود انسان بکاهد یا کم شود .

همچنین هر گز میان عملی از اعمال اجتماعی، و میان نتیجه خوب یا بد آن، رابطه‌ای جز رابطه اعتباری و قراردادی وجود ندارد، ولذا می‌بینیم عملی که روزی پاداش خوب دارد (بسیار اتفاق می‌افتد) روزی دیگر پاداش بد بآن میدهند یا اصلاً نوبی اثر میشود .

مقامات و عناوین اجتماعی عموماً اعتباری و تابع قرارداد میباشند، همچنین روابط میان این مقامات و عناوین میان اعمالی که آنها از آن سرچشمه میگیرند و همچنین روابط میان این مقامات و عناوین، و میان نتایج و آثاری که در اجتماع دارند، همه و همه اعتباری و قراردادی است ولی رابطه میان اعمال و افعال انسانی؛ و میان حالات و ملکاتی که در نفس او وجود می‌آورند، همچنین رابطه میان این حالات و ملکات، و میان مقامات و مدارج باطنی که انسان سیر میکند، و همچنین خود این مقامات و مراحل باطنی و عالمی که این مراحل را در بردارد همه از قبیل **موجودات اصیل و واقعی** و بیرون از سلطه و حکومت ماده و طبیعت میباشند .

خلاصه حیات معنوی و معادشناسی (بهر شکل می‌خواهد باشد) بر اساس اصالت عالم معنوی استوار است .

واژه‌مین جا روشن است که نظریه سابق که اساس « خلافت انتخابی » بر آن قرار داده شده بود و بمقتضای آن « سنت اسلامی » تنها يك سنت اجتماعی، شناخته میشد و پایه‌های اصلی آن تنها مصالح حیاتی بود که با افکار اجتماعی قابل درک است این نظریه با مسئله سیر معنوی و معادشناسی هیچگونه مناسبتی ندارد و سازش دادن میان این نظریه و میان معادشناسی یکی از محالات است زیرا « مادیت محض » و « معنویت محض » در دو نقطه متقابل قرار دارند که نزدیکی بیکی از آنها دوری از دیگری است !

واژه‌مین جا است که می‌بینیم در صدر اسلام و در زمان خلفا از روش باطنی و تکامل معنوی خبری نیست و جز عده‌ای از زهاد و عباد که تنها با عمل صالح معروف بودند کسی بایک عنوان دیگر تظاهر نکرده است و این امر تا اوایل سلطنت عباسیین ادامه داشت .

(آلمان غربی)

با توجه به موقعیت کنونی انجمن اسلامی دانشجویان گیسن (۱) و آلمان غربی ، در چهار قاره جهان (اروپا ، آمریکا ، افریقا و آسیا) (۲) بر خود ضروری دانستیم که با کسب اجازه از مسئول محترم انجمن و سایر خواهران و برادران «پرونده‌های این انجمن» را بگشائیم ، تا شاید بتوانیم بصورت فشرده و فهرست وار درباره روش کار و فعالیت آن مطالبی در اختیار خوانندگان این مجله مفید بگذاریم .

محتویات پرونده‌ها را میتوان در سه قسمت خلاصه کرد :

- ۱ - طرز فکر که خود شامل: مسیر انجمن ، هدف انجمن و اعضاء انجمن میباشد.
- ۲ - فعالیت داخلی
- ۳ - فعالیت خارجی

قسمت اول

الف - مسیر - انجمن اسلامی دانشجویان گیسن کاملاً مسیر تکاملی طی میکند ، آن مسیر یک ره‌سول اکرم (ص) برای ارشاد و راهنمایی مردم طی کرده است ایجاد فضای اسلامی را با سخنرانیهای اجتماعی و انعقاد جشن‌ها لازم دانسته و با این وسیله بهترین محیط را برای تشکیل يك انجمن اسلامی آماده میکند . تاکنون انجمنهای زیادی باروش فوق تشکیل داده است .

ب - هدف - دوستان این انجمن را عقیده بر آنست که اهداف به ترتیب ذیل باید خلاصه شود:

۱ - ایمان واقعی به اسلام ۲- اسلام را صحیح شناختن و بدیگران شناسانیدن ۳- دریافت يك مدرک عالی علمی (با داشتن معلومات کافی). اهداف فوق در کلیه جلسات انجمن مورد دقت بوده و تاکنون بنحو احسن به مرحله عمل درآمده پزشکان و مهندسين با ایمانیکه از این انجمن پیا خواسته‌اند بهترین دلیل بر صدق گفتار است.

ج - اعضاء - افراد این انجمن از سه گروه تشکیل شده‌اند : ۱- افرادی که تازه قدم بدرون

(۱) سال تأسیس ۱۹۶۰م (۲) انجمن امیدوار است که در نزدیکی با برادران استرالیا

نیز باب مکاتبه بگشاید .

دانشگاه گذاشته‌اند، ۲ - افرادی که دوران متوسطه علمی را طی میکنند، ۳ - افرادی که بمقام عالی نائل شده‌اند .

قسمت دوم - فعالیت داخلی

الف - انجمن اسلامی دانشجویان گیسن هر هفته شبهای جمعه جلسه هفتگی داشته (۱) که با قرائت کلام الله مجید، تفسیر، بحث شب، رسیدگی بوضع داخلی و خارجی آغاز و خاتمه دارد. (اداره جلسات و بحث شب در هر هفته بمهدهٔ یکی از دوستان جدید انجمن است که خود را باید برای سالهای آینده آماده کند).

ب - دوستانی که دارای مقام عالی علمی هستند، در اکثر جلسات ایرانیها و آلمانیها (مذهبی و غیر مذهبی) شرکت کرده و با سخنرانی‌های مفید و جالب خود در مورد اسلام حس مذهبی را تقویت میکنند (ما امیدواریم که در سایر انجمنهای اسلامی این فعالیت بصورت وسیعتری گسترش یابد) ج - این انجمن از نظر تشکیلات بقدری منظم است که میداند در چه ایامی دوستان جدیدی که دوران مقدماتی خود را پشت سر گذاشته‌اند و برای ورود به دانشگاه به گیسن می‌آیند؛ با ارسال نامه همکاری خود را ابراز کرده و بدینوسیله اشکالات: منزل و مقدمات ورود به دانشگاه را که مشکل ترین مسئله در اروپا است از مقابل پای همفکران خود بر میدارد .

د - ایجاد مذهبی و ملی را تا آنجائیکه امکانش باشد جشن گرفته و بطور متوسط ۷۵ درصد از برادران و خواهران در آن شرکت می‌جویند .

ه - انجمن مرتب از امکانات خود استفاده کرده نشریاتی بمنظور شناسائی اسلام به زبانهای فارسی و آلمانی در اروپا انتشار میدهد. در حال حاضر ۱۴ نشریه به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی و آلمانی بدفتر انجمن میرسد که باعث خوشبختی جهان اسلام است .
و - مطالب مهم و قابل اهمیت در محل رفت و آمد دانشجویان نصب شده تا مورد دید خواهران و برادران قرار بگیرد .

ز - کتابخانه انجمن در حال حاضر قریب به ۴۰۰ جلد از بزرگترین نویسندگان معاصر به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی و آلمانی در اختیار دارد با شرایطی که انجمن برای استفاده از کتب تعیین کرده تا کنون موفق شده بنحواً کامل در دسترس دوستان قرار دهد . اکثر کتب این انجمن از: انجمن دین و دانش تهران، شرکت انتشار، کتابخانه صدوق، اعضاء انجمن، افراد خیر خواه و جمعیت‌های اسلامی جهان و اسلام دریافت شده است. لیست کتب از طرف مسئول مربوطه چاپ و در اختیار علاقمندان قرار میگیرد، مسئول کتابخانه از اینکه هر چه بیشتر کتب در اختیار دوستان قرار بگیرد اظهار خوشحالی میکند. جدیداً نیز انجمن مبلغی در اختیار مسئول کتابخانه

۳۰ - ساعات تشکیل جلسه با فصول سال تغییر می‌کند .

گذاشته تا بتواند ابتکارات جدیدی در مورد توزیع کتب بکند .

ح - امور مالی انجمن از طریق حق عضویت و کمک سایر برادران اداره میشود .

قسمت سوم - فعالیت خارجی

۱ - انجمن اسلامی دانشجویان گیسن عضو رسمی united Muslim

Studens Organizati oh (اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا) می باشد و

در واقع با ۵۳ انجمن اسلامی دیگر در رابطه است و با انجمنهای اسلامی در آمریکا ، آفریقا و

آسیا نیز صمیمانه همکاری میکند .

۲ - یکی از مهمترین وظایف خارجی این انجمن ایجاد هسته مرکزی اسلامی در هر شهر

میباشد لذا افراد تربیت شده این انجمن برای تولید محیط مذهبی به شهرهای مجاور مسافرت و در

مورد مسائل زنده روز سخنرانی بعمل میآورند - انجمن از این روش با توجه باینکه «مبلغ اسلامی

بسیار نادر است» بسی خرسند است و کاملاً در این راه موفقیت بدست آورده ، و تجربه نشان داده که

دانشجویان مسلمان در انتظار آشنائی بیشتر اسلام عزیز میباشند ، انجمن امیدوار است که بتواند

خواستہ خود را در شهرهای دیگر نیز گسترش دهد .

۳ - سنگینترین وظیفه ای که انجمن اسلامی دانشجویان گیسن دارد مسئولیت اتحادیه

انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا و گروه فارسی زبان ، و توزیع نشریه فارسی مربوطه می -

باشد انجمن بی اندازه خوشحال است که با مقصد صحیح خود تا کنون موفق شده مسئولیت فوق را

بمرحله عمل در آورد برادرانیکه توزیع نشریات و مسئولیت ارتباطات اتحادیه ای را بعهده

دارند به آسانی میتوانند برای خود مجسم کنند که انجمن اسلامی دانشجویان گیسن با چه مشکلاتی

روبرو است . ولی داشتن عقیده و جهاد در راه آن ، آنان را بسوی هدف مقدسشان تشویق و تحریض

می کند .

۴ - جالبترین برنامه تبلیغاتی از نظر این انجمن برنامه های تلویزیونی و رادیویی است

این برنامه در صورتی بمرحله عمل خواهد رسید که مسلمانان ، آنان را از کمک های فکری و

مالی محروم نکنند ، تا بتوانند عوامل ایجاد چنین برنامه جالبی را بوجود آورند .

۵ - انجمن نشانی مکاتبات خود را در اختیار کلیه مسلمانان قرار داده و میدهد .

T.S.G . 63 Gissen Postfach 2962 Germany

در خاتمه از دوستان همفکر و مسلمان انجمن اسلامی دانشجویان گیسن که بما اجازه دادند تا

خوانندگان را با کوششهای اسلامی خود در اروپا آشنا کنیم بی اندازه تشکر کرده امیدواریم که

نسل جوان از فعالیت های این انجمن عبرت گرفته و برای اعلاي کلمه و لا اله الا الله ، در هر

گوشه جهان بایکدیگر کوشش و همکاری کنند .